

Comparison of Normal and Gifted Students' Social Skills and Its Relation with Problem Solving Skills and Perceived Parenting

Khadije Shirkhani¹, MA. Tahere Elahi², Ph.D.;
Mahmud Kazemi³, Ph.D

Received: 27. 4.15 Revised: 12.7.15 Accepted: 15.11. 15

Abstract

Objective: The aim of this study was to investigate and compare the social skills of gifted and normal high school students and its relationship with problem-solving skills and perceived parenting style. **Method:** 90 gifted high school students of mathematics, experimental science and humanities were selected by cluster-random method. Data were collected by Teenage Inventory of Social Skills (Inderbitzen & Foster.), Perceptions of Parents Scales (Robbins), and the Problem-Solving Inventory (Heppner & Petersen). **Results:** Based on the findings of this study, there is no significant difference between the social skills of gifted and normal students. No significant difference was found regarding the problem-solving skills of gifted and normal students. Pearson correlation results showed that only the relationship between social skills and parenting styles of fathers was significant. **Conclusion:** The results showed that social and problem-solving skills do not differ in gifted and normal students. Father's parenting style (warmth and involvement) was related to adolescent social skills. Only parenting styles among gifted students was related to problem-solving skills. The most correlation was between trust style and maternal autonomy support. Also problem-solving skills increase students' social skills.

Keywords: Social skills, Problem-solving skills, Perceived parenting, Gifted

بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی تیزهوش و عادی و ارتباط آن با مهارت حل مسئله و شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده

خدیجه شیرخانی^۱، دکتر طاهره الهی^۲،
دکتر محمود کاظمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۷ تجدیدنظر: ۹۴/۵/۲۱ پذیرش نهایی: ۹۴/۸/۲۴

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی تیزهوش و عادی و ارتباط آن با مهارت‌های حل مسئله و فرزندپروری ادراک شده طراحی و اجرا شد. روش: ۹۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی تیزهوش به روش تصادفی خوشه‌ای در رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی انتخاب شدند. از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ایندربیتزن و فوستر برای ارزیابی مهارت‌های اجتماعی و از پرسشنامه ادراک شیوه والدین آر. جی رابینز برای بررسی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدین استفاده شد. برای مهارت حل مسئله پرسشنامه هینر و پترسن مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها: بر اساس یافته‌های بدست آمده از پژوهش حاضر بین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. در ارتباط با مهارت حل مسئله نیز تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مشاهده نشد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که مهارت‌های اجتماعی فقط با سبک‌های فرزندپروری پدر رابطه معناداری دارد. نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوتی با یکدیگر ندارد. سبک فرزندپروری پدر (گرمی و درگیری پدر) با مهارت‌های اجتماعی نوجوانان رابطه دارد. سبک‌های فرزندپروری فقط در گروه دانش‌آموزان تیزهوش با مهارت حل مسئله در ارتباط است و بیشترین ارتباط مربوط به سبک اعتماد با حمایت پدر از خودمختاری می‌باشد. همچنین مهارت حل مسئله، مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، مهارت حل مسئله، فرزندپروری ادراک شده، تیزهوش

1. Corresponding author: M.A in Psychology, Zanjan University (Email: shirkhani_kh@yahoo.com)

2. Assistant Professor in Zanjan

3. Assistant Professor in Zanjan

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه زنجان

۲. استادیار دانشگاه زنجان

۳. استادیار دانشگاه زنجان

مقدمه

یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان، فرایند اجتماعی شدن است. رشد مهارت‌های اجتماعی در سلامت رفتاری و اجتماعی نقش بسزایی دارد. رادرفورد، کوین و مادور (۲۰۰۴) مهارت‌های اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها تعریف کرده‌اند که به فرد اجازه آغاز و حفظ ارتباطات اجتماعی مثبت و مقابله مؤثر با مسائل را می‌دهد تعریف کرده‌اند. نلسون (۲۰۰۹) بیان می‌دارد که مهارت‌های اجتماعی، مجموعه‌ای پیچیده از مهارت‌ها می‌باشد که روابط سالم را پرورش داده و سازگاری و کنار آمدن با موقعیت‌های فشارزا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کارتلج (۱۹۸۵) به این نکته اشاره دارد که مهارت‌های اجتماعی نه تنها امکان شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران را فراهم می‌کند، بلکه توانایی نیل به اهداف ارتباط با دیگران را نیز در شخص ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، ضعف در مهارت‌های اجتماعی، افراد را در معرض خطرات متعددی از قبیل افسردگی، اضطراب، تنهایی و اعتیاد قرار می‌دهد (رضایی، ۱۳۹۰، تسانگ و لاک، ۲۰۰۸). لاوکی (۲۰۰۷) و پیرتو (۱۳۸۵) بیان می‌کنند که اکثر کودکان و نوجوانان تیزهوش مشکلات مربوط به مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی خود را درونی می‌سازند، این کودکان و نوجوانان بیشتر با مشکلات پذیرش اجتماعی و کنار آمدن با جو گروه همسالان مواجهند. پژوهش‌های متعدد تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های اجتماعی را در کاهش مشکلاتی نظیر سوء مصرف مواد، پیشگیری از رفتارهای خشونت آمیز، تقویت عزت نفس، افزایش مهارت‌های مقابله با استرس، برقراری روابط مثبت و مؤثر اجتماعی نشان داده‌اند (خوشکام، ۱۳۷۸).

رضویه (۱۳۸۳) بیان می‌کند که تحقیقات نشان داده‌اند با اینکه کودکان تیزهوش تراز عقلی بالاتری نسبت به همسالان خود دارند و استدلال‌های شناختی آنان قویتر از کودکان عادی است، لیکن از نظر عملکرد عاطفی و اجتماعی تفاوتی بین آنها وجود ندارد

(گیلگان، لیونز، هانمر، ۱۹۸۹). همچنین نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که گروه مهمی از کودکان و نوجوانان تیزهوش دارای مشکلاتی در بخش مهارت‌ها و سازگاری‌های اجتماعی هستند که این موضوع به موجب پراکنش بسیار بین رشد اجتماعی و شناختی آنها با کودکان و نوجوانان عادی است. این پراکنش موجب می‌شود تا کودکان و نوجوانان تیزهوش رفتارهای نامناسبی از خود نشان دهند که در واقع واکنشی است به عدم پذیرش آنها از سوی گروه همسالان. یافته‌های پژوهشی به دفعات به مشکلات مهارت‌های خاص تعامل اجتماعی در کودکان و نوجوانان تیزهوش اشاره کرده‌اند (ماهر، ۱۳۸۶) از سوی دیگر برخی از پژوهش‌ها نیز به یافته‌های متفاوت دست یافته‌اند. برای مثال برخی از پژوهش‌ها از مهارت‌های اجتماعی بالاتر افراد تیزهوش در مقایسه با افراد عادی خبر داده‌اند. (محمدی ۱۳۷۳، واتسون، ۲۰۰۰؛ لی، ۲۰۰۶؛ وام پولد، ۱۹۹۵). (فتحی، ۱۳۷۶) بیان می‌کند که کودکان تیزهوش مهارت‌های اجتماعی کافی دارند ولی در برقراری ارتباط با هم‌تاها بیم دارند و تمایل به پیوستگی با گروه در آنان نسبت به کودکان عادی کمتر است، زیرا بسیاری از آنها میل به رهبری دارند. همچنین تعامل اجتماعی و جامعه‌پذیری تیزهوشان تحت تأثیر جنس قرار دارد. دانش‌آموزان دبیرستانی که دوران حساس نوجوانی را پشت سر می‌گذارند، در زندگی فردی و اجتماعی خود با مسائل و مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. برخورداری از توانایی لازم برای حل مؤفقت‌آمیز مسائل موجب می‌شود تا اعتماد به نفس آنها بیشتر شده و احساس ارزشمندی پیدا کنند. دوگاس - (۱۹۹۸) و لادوسوار (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که نقص در مهارت حل مسئله موجب اختلالات اجتماعی و اضطراب خواهد شد. سانتراک (۱۳۸۵) بیان می‌کند که حل مسئله، غلبه بر موانع ذهنی و پیدا کردن راه مناسب برای رسیدن به هدفی است که فعلاً غیرقابل دسترسی است. مهارت حل مسئله یکی از مهارت‌های

فرزند را مشخص می‌کند (صادقی، ۱۳۸۶). بامریند در پژوهش‌های خود طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ روی دو عامل تعیین‌کننده نوع تعامل و ارتباط والدین و کودک یعنی پذیرندگی-پاسخ‌دهندگی و توقع کنترل مطالعه کرده است.

بعد پذیرندگی-پاسخ‌دهی حاکی از میزان گرمی والدین و حمایت از کودک است که موجب افزایش توان ابراز وجود، حرمت خود و اعتماد به نفس بالا در کودک می‌شود. بعد توقع-کنترل حاکی از درجه انتظار والدین از کودک برای تنظیم رفتار و نظارت بر فعالیت‌های کودک است. (پل رین، ۲۰۰۵). بامریند بر اساس دو بعد پذیرندگی-پاسخ‌دهندگی و توقع-کنترل والدین، سه سبک فرزندپروری را مشخص نمود که عبارتند از: مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌انگارانه. مطابق با این طبقه‌بندی، والدین دارای سبک مقتدر در هر دو بعد پذیرندگی و توقع در سطح بالایی قرار دارند. والدین مستبد در بعد توقع بالا و در بعد پذیرندگی پایین هستند و والدین سهل‌انگار در بعد پذیرندگی بالا و در بعد توقع پایین هستند (سیلک، موریس، کانای و استینبرگ، ۲۰۰۳). بعدها سبک چهارم یعنی سبک مسامحه‌کارانه بر اساس دو بعد توقع و پذیرندگی توسط محققان دیگر اضافه شد. براساس این دو بعد، والدین دارای سبک فرزندپروری مسامحه‌کارانه در هر دو بعد توقع و پذیرندگی در سطح پایین قرار دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک فرزندپروری مقتدرانه واجد پیامدهای رفتاری سازگارانه‌تر در کودکان و نوجوانان می‌باشد (پاکدامن، ۱۳۹۰، آنولا، ۲۰۰۰). سبک فرزندپروری مورد تأکید در این پژوهش مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری است که شامل سه مؤلفه درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر می‌باشد و هرکدام به ترتیب، به درجه‌ای اشاره دارد که والدین به فعالیت‌های زندگی کودک علاقه دارند و برای انجام آن وارد عمل می‌شوند، برای تشویق کودکان در حل مسئله و شرکت در تصمیم‌گیری تکنیک‌هایی را به کار می‌برند

زندگی است که به افراد در حل مسائل فردی و اجتماعی کمک کرده و آنها را قادر می‌سازد تا بطور سازنده با مشکلات زندگی برخورد کنند. حل مسئله فرایند منطقی و منظمی است که به فرد کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه‌حل‌های متعددی را جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب نماید (احمدی، ۱۳۸۰). زهراکار (۱۳۸۹) به این نکته اشاره می‌کند که حل مسئله فرایندی شناختی، رفتاری و ابتکاری است که بوسیله آن فرد می‌تواند راهبردهای مؤثر و سازگارانه‌ی مقابله‌ای را برای مشکلات روزمره تعیین، کشف یا ابداع کند و از انعطاف‌پذیری فکری برخوردار شود. همچنین توانایی پیش‌بینی پیامدها را داشته باشد و باورش نسبت به توانایی‌های خود و سازگاری و مهارت‌های اجتماعی‌اش افزایش یابد (دزوریلا و شیدی، ۱۹۹۲).

هینر و پترسن (۱۹۸۲) مهارت حل مسئله را سه سبک اعتماد به حل مسئله، گرایش-اجتناب و کنترل معرفی کرده‌اند. سبک اعتماد به حل مسئله بیانگر اعتقاد در توانایی فرد برای حل مشکلات است. سبک گرایش-اجتناب نگرش مثبت-منفی نسبت به مشکلات و تمایل به مقابله رودررو با آنها را نشان می‌دهد. سبک کنترل به تأثیر کنترل‌کننده‌های بیرونی و درونی در موقعیت مسئله‌زا اشاره دارد (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶).

تأثیر والدین بر اجتماعی شدن فرزندان و کسب مهارت حل مسئله به عنوان اساس جریان اصلی نظریه‌های روان‌شناختی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، بیشتر پژوهش‌ها در مورد رفتارهای والدین با توجه به اهمیت آنها در رابطه والد-کودک و نقش فرزندپروری بر اجتماعی نمودن کودکان و روابط اجتماعی آنان در بزرگسالی راه‌اندازی شده است (برن‌اشتاین، ۲۰۰۲). سبک‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌ها نسبت به کودک و ایجاد محیطی عاطفی است که در هر یک از رفتارهای والدین مشهود است و ساختاری است که ماهیت روابط والد و

انسانی انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. جامعه دانش-آموزان عادی نیز شامل دانش‌آموزان دختر عادی مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که از بین آنها نمونه‌های همتا با نمونه دانش‌آموزان تیزهوش (ملاک‌های هم‌سازی: رشته تحصیلی، پایه تحصیلی و موقعیت اقتصادی-اجتماعی) انتخاب شد.

ابزار پژوهش: برای بررسی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدین از پرسشنامه ادراک شیوه والدین استفاده شد. این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط آر. جی. رابینز و براساس نظریه خودتعیین‌گری تدوین شده است. نسخه اصلی این مقیاس با ۴۲ عبارت برای آزمودنی‌هایی که در سال‌های پایانی نوجوانی یا کمی بزرگتر هستند، طراحی شده است. این ابزار شش زیرمقیاس درگیری مادر، حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر، درگیری پدر، حمایت پدر از خودمختاری و گرمی پدر را می‌سنجد. تنهای رشوانلو (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ و برای زیر مقیاس‌های آن بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۳ به دست آورد.

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) برای ارزیابی مهارت‌های اجتماعی استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۳۹ عبارت ۵ گزینه‌ای است که آزمودنی پاسخ خود را در مورد هر عبارت در دامنه‌ای از گزینه‌های «اصلاً صدق نمی‌کند تا همیشه صدق می‌کند» ابراز می‌نماید. اعتبار این سیاهه توسط ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲)، ۰/۹۰ گزارش شده است. روایی همگرایی این پرسشنامه به شیوه‌های متفاوت مانند مقایسه آن با اطلاعات ارزیابی خویشتن، ارزیابی همسالان و داده‌های جامعه‌سنجی و روایی تشخیص آن به وسیله بررسی همبستگی بین نمرات مهارت‌های اجتماعی و مطلوبیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و دیگر ابزارهای مداد کاغذی به وسیله ایندربیتزن و فوستر مورد ارزیابی قرار گرفته است و نتایج بدست آمده، دلالت بر روایی همگرا و

(گرولینک و رایان، ۱۹۸۹) در ارتباط با فرزندان خود حساس، استوار و صمیمی هستند (لانگ، چانگ و لای، ۲۰۰۴، نقل از فرازی، ۱۳۹۲).

با توجه به مبانی نظری یاد شده و از آنجائی که پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور بیشتر از الگوی فرزندپروری بامریند و کمتر از الگوی فرزندپروری مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری استفاده نموده‌اند، برایین اساس، انجام پژوهشی که با استفاده از نظریه خودتعیین‌گری، به بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی، مهارت حل مسئله و ادراک از سبک‌های فرزندپروری بپردازد، لازم و ضروری می‌نماید. همچنین به لحاظ اینکه نوجوانان برای زندگی در دنیای - پرتکاپوی امروز و جهان پیچیده فردا نیاز به توسعه مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله دارند، آموزش این مهارت‌ها به آنان کمک می‌کند تا به سازگاری و انطباق اجتماعی بهتری دست یابند و از سوی دیگر آموزش شیوه‌های فرزندپروری مناسب به والدین می‌تواند زمینه ارتباط خوب و صمیمی با فرزندان‌شان را فراهم کند و از بروز انواع آسیب‌های اجتماعی و روانی بکاهد و با توجه به اینکه نوجوانان و به خصوص نوجوانان تیزهوش، سرمایه‌های پرارزش جامعه و امیدهای درخشان کشور تلقی می‌شوند و در آینده‌ای نه چندان دور مسئولیت عظیم اداره کشور را برعهده می‌گیرند، اگر در پاسخگویی به نیازهای آنان مؤلفیتی حاصل نگردد، نه تنها آنان بلکه جامعه نیز که باید از همیاری آنان در آینده سود ببرد لطمه می‌بیند. از اینرو، پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی و ارتباط آن با مهارت حل مسئله و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدین‌شان می‌پردازد.

روش

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر تیزهوش دبیرستانی شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که ۹۰ نفر از آنها به روش تصادفی خوشه‌ای در رشته‌های تجربی، ریاضی و

گرایش - اجتناب و ۳) کنترل شخصی که همسانی درونی نسبتاً بالایی با مقادیر آلفایی بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵. در خرده‌مقیاس‌ها و ۰/۹۰. برای مقیاس کلی دارد. این پرسشنامه توسط رفعتی در سال ۱۳۷۵ ترجمه و برای اولین بار در ایران استفاده شد. آلفای کرونباخ بدست آمده، ۰/۸۶. گزارش شده است (خسروی، ۱۳۷۷).

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهشی در جدول ۱ آمده است. در این جدول میانگین و انحراف معیار متغیرهای مهارت‌های اجتماعی (رفتار مثبت، رفتار منفی) و مهارت حل مسئله (اعتماد، گرایش اجتناب و کنترل) و سبک‌های فرزندپروری (درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی) آزمودنی‌ها به تفکیک گروه‌ها آمده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی گروه‌های نمونه در متغیرهای تحقیق

مقیاس	خرده مقیاس‌ها	دانش‌آموزان تیزهوش	دانش‌آموزان عادی	کل نمونه
		میانگین	انحراف معیار	میانگین
مهارت حل مسئله	اعتماد	۳۰/۷۰	۷/۴۳	۳۱/۳۴
	گرایش - اجتناب	۴۸/۱۷	۹/۱۴	۴۹/۲۰
	کنترل	۱۶/۴۵	۴/۰۶	۱۷/۴۰
مهارت‌های اجتماعی	رفتار مثبت	۶۷/۸۲	۱۲/۷۲	۶۹/۱۰
	رفتار منفی	۶۳/۶۳	۱۱/۶۶	۶۱/۸۰
سبک‌های فرزندپروری	درگیری مادر	۹/۳۲	۲/۳۵	۸/۹۳
	حمایت مادر	۱۶/۴۴	۳/۵۸	۱۶/۲۲
ادراک شده	گرمی مادر	۳۲/۰۶	۸/۰۵	۳۲/۶۴
	درگیری پدر	۱۵/۴۵	۲/۸۱	۱۵/۱۹
	حمایت پدر	۱۷/۶۸	۴/۰۴	۱۷/۳۵
	گرمی پدر	۳۹/۳۹	۸/۹۲	۳۹/۶۰

(گرایش - اجتناب، کنترل) و مهارت‌های اجتماعی (رفتار مثبت) پایین‌تر از دانش‌آموزان عادی است.

روایی تشخیص قابل قبول این پرسشنامه بوده است (دوران، ۱۳۸۰). این پرسشنامه در سال (۱۳۷۸) توسط امینی در سطح شهر تهران برای دانش‌آموزان دختر در مقطع دوم راهنمایی، اعتباریابی شد و نتایج حاکی از این بود که ۲۰ سؤال بخش مثبت دارای ضریب اعتبار ۰/۷۱ و ۲۰ سؤال بخش منفی، دارای ضریب اعتبار ۰/۶۸ می‌باشند (نظری، ۱۳۸۱).

برای مهارت حل مسئله از پرسشنامه هینر و پترسن (۱۹۸۲) استفاده شد که برای سنجش درک پاسخ‌دهنده از رفتارهای حل مسئله‌اش تهیه شده است. این پرسشنامه ۳۵ ماده دارد که برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌اش طراحی شده و در برگیرنده ۳ زیرمقیاس مجزا است که عبارتند از: ۱) اعتماد به حل مسائل (۲) سبک

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین نمرات دانش‌آموزان تیزهوش در متغیرهای مهارت حل مسئله

جدول ۲- بررسی متغیرهای پژوهشی در دو گروه عادی و تیزهوش و عادی با استفاده از مدل آماری آزمون T

مقیاس	خرده مقیاس	گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	Sig
مهارت حل مسئله	اعتماد	تیزهوش	۳۰/۷۰	۸/۴۲	۱/۰۴	۱۷۲	۰/۲۲۶
		عادی	۳۱/۹۶	۷/۴۳			
گرایش_اجتناب	گرایش_اجتناب	تیزهوش	۴۸/۱۷	۹/۱	۱/۵۰	۱۷۲	۰/۵۷۸
		عادی	۵۰/۲۰	۹/۱			
کنترل	کنترل	تیزهوش	۱۶/۴۵	۴/۳۶	۲/۹۳	۱۷۲	۰/۷۴۰
		عادی	۱۸/۳۲	۴/۰۶			
مهارت‌های رفتار مثبت	رفتار مثبت	تیزهوش	۶۷/۸۲	۱۲/۹۶	۱/۳۰	۱۷۲	۰/۵۸۴

اجتماعی	عادی	۷۰/۳۶	۱۲/۷۲			
رفتار منفی	تیزهوش	۶۳/۶۳	۱۰/۴۵	-۲/۰۹۱	۱۷۲	۰/۱۶۷
	عادی	۶۰/۱۲	۱۱/۶۶			
سبک‌های	تیزهوش	۹/۳۲	۲/۹۰	-۱/۹۴	۱۷۲	۰/۱۱۲
فرزندپروری	عادی	۸/۵۴	۲/۳۵			
ادراک شده	حمایت مادر	۱۶/۴۴	۳/۲۲	-۰/۸۱۰	۱۷۲	۰/۱۷۲
	عادی	۱۶/۰۱	۳/۵۸			
	گرمی مادر	۳۲/۰۶	۷/۹۴	۰/۹۴	۱۷۲	۰/۶۵۸
	عادی	۳۳/۲۱	۸/۰۵			
	تیزهوش	۱۵/۴۵	۳/۰۹	-۱/۱۳	۱۷۲	۰/۵۹۴
	عادی	۱۴/۹۴	۲/۸۱			
	تیزهوش	۱۷/۶۸	۳/۷۴	-۱/۱۰	۱۷۲	۰/۶۳۱
	عادی	۱۷/۰۳	۴/۰۴			
	تیزهوش	۳۹/۳۹	۸/۷۹	۰/۳۱۵	۱۷۲	۰/۸۴۱
	عادی	۳۹/۸۱	۸/۹۲			

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری در هیچ یک از متغیرهای پژوهشی در دو گروه مشاهده نمی‌شود. ضرایب همبستگی مربوط به

جدول ۳- ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای تحقیق در گروه‌های نمونه

مقیاس	خرده مقیاس	سبک‌های فرزند پروری والدین			مهارت‌های اجتماعی		
		درگیری	حمایت از خودمختاری	گرمی	رفتار مثبت	رفتار منفی	
	اعتماد	مادر	پدر	کل	مادر	پدر	کل
	۰/۷۶	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۵۱	۰/۱۳	۰/۳۵	۰/۳۱
مهارت‌های حل مسئله	گرایش	۰/۲۵*	۰/۳۳*	۰/۳۵*	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۲
	اجتناب	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۴*	۰/۲۱*	۰/۳۳*
	کنترل	۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۲۳*	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۲۵*
	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۵
	رفتار	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۱۸
مهارت‌های اجتماعی	مثبت	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۶
	رفتار منفی	۰/۰۸	۰/۳۲*	۰/۲۴*	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۱۴
	۰/۰۴	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۱۵

نکته: اعداد پررنگ ضرایب همبستگی گروه عادی و اعداد کم‌رنگ ضرایب همبستگی گروه تیزهوش می‌باشد. * $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

نتایج درج شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که در گروه تیزهوش سبک اعتماد با حمایت پدر از خودمختاری، رفتار مثبت و گرمی پدر رابطه منفی و معنی‌دار به ترتیب با $\alpha = 0/25$ و $\alpha = 0/22$ $p < 0/05$ و رفتار مثبت و معنی‌دار $\alpha = 0/22$ $p < 0/0$ و رفتار منفی با درگیری پدر رابطه منفی و معنی‌دار $\alpha = 0/32$ $p < 0/01$ دارد و در گروه عادی سبک گرایش-اجتناب با رفتار مثبت و رفتار منفی رابطه منفی و معنی‌دار به ترتیب $\alpha = 0/23$ $p < 0/05$ و سبک کنترل با رفتار

نتایج درج شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که در گروه تیزهوش سبک اعتماد با حمایت پدر از خودمختاری، رفتار مثبت و گرمی پدر رابطه منفی و معنی‌دار به ترتیب با $\alpha = 0/24$ $\alpha = 0/22$ $p < 0/05$ و سبک گرایش-اجتناب با درگیری مادر رابطه مثبت و معنی‌دار $\alpha = 0/25$ $p < 0/05$ و با درگیری پدر رابطه مثبت و معنی‌دار $\alpha = 0/35$ $p < 0/01$ و با حمایت پدر از خودمختاری، گرمی پدر، گرمی مادر و رفتار منفی رابطه منفی و معنی‌دار به ترتیب $\alpha = 0/34$

منفی رابطه منفی و معنی‌دار $r=0/23$ ، $p<0/05$ و رفتار منفی با گرمی پدر رابطه منفی و معنی‌دار $r=0/26$ ، $p<0/05$ دارد. نتایج تحلیل رگرسیون مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله بر حسب سبک‌های فرزندپروری در دو گروه تیزهوش و عادی در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

گروه تیزهوش	متغیر	B	β	t	R^2	R^2_{ADJ}	F
گروه عادی	اعتماد به حل مسئله	-۰/۳۴	-۰/۳۵	-۳/۴۹	۰/۱۲	۰/۱۱	۱۲/۷۸
	گرمی پدر	-۰/۵۴	-۰/۲۴	-۲/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۴	۵/۲۳
	حمایت پدر از خودمختاری	۰/۹۴	۰/۳۳	۳/۳۰	۰/۱۱	۰/۱۰	۱۰/۸۹
	گرایش-اجتناب	-۰/۳۵	-۰/۳۶	-۳/۶۱	۰/۱۳	۰/۱۲	۱۳/۰۶
	درگیری پدر	-۰/۷۸	-۰/۳۴	-۳/۳۸	۰/۱۱	۰/۰۱	۱۱/۰۱
	حمایت پدر از خودمختاری	۰/۷۶	۰/۲۵	۲/۴۴	۰/۰۶	۰/۰۵	۵/۹۶
	درگیری مادر	-۰/۲۳	-۰/۲۱	-۲/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۴/۱۸
	گرمی مادر	-۰/۱۲	-۰/۲۵	-۲/۳۶	۰/۰۶	۰/۰۵	۵/۵۹
	کنترل	۰/۳۳	۰/۲۲	۲/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۴/۴۶
	گرمی پدر	-۰/۰۱	-۰/۳۲	-۳/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۹	۹/۵۶
گرمی پدر	-۰/۳۴	-۰/۲۶	-۲/۵۶	۰/۰۷	۰/۰۶	۶/۵	

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره درج شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که در گروه تیزهوش، سبک‌های فرزندپروری قادر به پیش‌بینی سبک گرایش-اجتناب و گرمی پدر و حمایت پدر از خودمختاری قادر به پیش‌بینی سبک اعتماد می‌باشد و گرمی پدر می‌تواند سبک کنترل را پیش‌بینی کند. همچنین گرمی پدر و درگیری پدر به ترتیب قادر به پیش‌بینی رفتار مثبت و رفتار منفی می‌باشد و در گروه عادی فقط گرمی پدر قادر به پیش‌بینی رفتار منفی است. جدول ۴ نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری پدر مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله را بهتر پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، مقایسه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله و فرزندپروری ادراک شده و همچنین روابط موجود بین این متغیرها بود. داشتن مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله از ضرورت‌های اساسی زندگی امروز است. این ضرورت

به‌ویژه برای سنین نوجوانی و جوانی که افراد را در رویارویی با موقعیت‌های متعدد قرار می‌دهد، بیشتر ملموس می‌باشد. اگر دانش‌آموزان با این مهارت‌ها آشنا شوند، می‌توانند عقاید خود را بیان نموده و از نظرات خود دفاع کنند. در صورت عدم برخورداری از این مهارت‌ها قادر به برقراری رابطه متقابل اجتماعی و تعامل با دیگران نیستند (لیوارجانی، ۱۳۸۸) همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر مشکلات تحصیلی، ناسازگاری‌ها در مدرسه، انحرافات و بزهکاری‌ها ناشی از ضعف در مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله و نیز ناشی از محیط‌های خانوادگی نامساعد و نابهنجاری بوده که فرد در آن تکوین یافته است (لیوارجانی، ۱۳۸۸). نتایج این تحقیق نشان داد که در متغیر مهارت‌های اجتماعی، تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی وجود ندارد که با نتایج تحقیقات میکلسون (۱۹۸۳) و گرشام (۱۹۸۷) که نشان دادند، تفاوت معناداری در مهارت‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی وجود ندارد، همسوست. پژوهش‌هایی نیز به یافته‌های متفاوت

معنی دار وجود دارد که این با یافته‌های ایسنبرگ و شارلن، ۲۰۰۸، عسگری، ۱۳۷۸ هماهنگ است که نشان دادند، سبک‌های فرزندپروری با سازگاری اجتماعی و قابلیت‌های اجتماعی رابطه دارد. همچنین این پژوهش نشان داد که بین مهارت حل مسئله و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده رابطه معنی دار وجود دارد که با یافته‌های برن اشتاین، ۲۰۰۲ کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲، داسک و دانک، ۱۹۹۴ همسو است که نشان دادند، دانش‌آموزان دارای والدین مقتدر بیشتر از دانش‌آموزان دارای والدین مستبد و سهل‌گیر از شیوه حل مسئله در شرایط استرس‌زا استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان والدین سهل‌گیر کمترین میزان اعتماد به نفس و کنترل را دارند و در تشخیص ارزش‌ها از ضدا ارزش‌ها مشکل دارند همسوسست. یافته دیگر این تحقیق نشان داد که بین مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله، رابطه وجود دارد که با یافته معتمدی (۱۳۹۱)، احدی (۱۳۸۸)، دریر (۲۰۰۵) و بارکر (۲۰۰۲) همسو است که نشان دادند، آموزش مهارت حل مسئله در افزایش کفایت اجتماعی مؤثر است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری پدر در گروه تیزهوش، پیش‌بین بهتری برای مهارت حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی بوده و در گروه عادی از بین سبک‌های فرزندپروری والدین فقط گرمی پدر قادر به پیش‌بینی مهارت اجتماعی می‌باشد که این با یافته‌های برونه (۲۰۰۶) هماهنگ است که معتقد است، سبک فرزندپروری پدر در رشد و تحول عاطفی، اجتماعی فرزندان نقش مهمی دارد.

منابع

احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۰). کاربرد روش حل مسئله در آموزش علوم، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۱۵.
 احدی، بتول؛ میرزایی، پری؛ نریمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمرو. فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال نهم، شماره ۳، ص ۲۰۲-۱۹۳.
 امینی، آرزو (۱۳۸۷). مهارت‌های اجتماعی نوجوانان اعتباریابی پرسشنامه THSS. کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد.

دست یافته‌اند، برای مثال برخی از پژوهش‌ها مهارت‌های اجتماعی بالاتر افراد تیزهوش را در مقایسه با افراد عادی گزارش کرده‌اند (لی، ۲۰۰۶، محمدی، ۱۳۷۳، حجازی، ۱۳۸۵، ترخان، ۱۳۷۲، گروس، ۲۰۰۱، سوئتیک، ۲۰۰۲). برخی از پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که دانش‌آموزان تیزهوش از لحاظ مهارت‌های اجتماعی از دانش‌آموزان عادی ضعیف‌ترند (فتحی، ۱۳۷۰، واتسون، ۲۰۰۰، سالوو، ۲۰۰۶). همچنین گروس (۱۹۹۳) و لاوکی (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که افراد تیزهوش مشکلات متعددی در رابطه با مهارت‌های اجتماعی، پذیرش اجتماعی و کنار آمدن با گروه همسالان دارند. بطور کلی یافته‌های پژوهش‌ها در مورد مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی یکدست و هماهنگ نیستند، شاید به این دلیل که در این پژوهش‌ها بسیاری از عوامل مداخله‌گر که هر یک می‌توانند رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را تحت تأثیر قرار بدهند، نادیده گرفته می‌شوند و لذا تلاشی برای کنترل آنها نشده است. برای مثال، عواملی مانند سن، جنس، وضع اجتماعی-اقتصادی خانواده، شرایط ارزشی و فرهنگی فرد، هر یک می‌توانند در مسیر ارتباط هوش و مهارت‌های اجتماعی اثرگذار باشند (ماهر، ۱۳۸۶). همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که در متغیر حل مسئله نیز تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نمی‌شود که با یافته‌های بشارت (۱۳۸۹)، گرشام (۱۹۸۷) و کالرو- (۲۰۰۷) همسو نمی‌باشد که نشان دادند، دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از برخی ویژگی‌های شخصیتی قاطع‌تر مانند عزت نفس بالا، مکان کنترل درونی، ادراک شایستگی، خودمختاری، انگیزه درونی و خودپنداری مثبت برخوردارند و این صفات به آنها کمک می‌کند تا به هنگام مواجهه با مشکلات، احساس تنیدگی و اضطراب کمتری داشته باشند و از شیوه‌های مقابله‌ای مثبت‌تری استفاده کنند. از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین مهارت‌های اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری رابطه

عسگری، عباسعلی. (۱۳۷۸). بررسی اثر ادراک از شیوه‌های فرزندپروری بر میزان نگرش بدبینانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، مشهد، دانشکده تربیت معلم.

فرازی، فریبا؛ خامسان، احمد؛ اسدی یونسی، محمدرضا. (۱۳۹۲). رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی در دانش‌آموزان دختر شهر بیرجند. فصلنامه خانواده پژوهی. سال نهم، شماره ۳۶، ص ۴۵۰-۴۳۹.

فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۷۶). ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی (بررسی مطالعات) نشریه میان رشته‌ای مدارس علوم انسانی. شماره ۳، ص ۴۷-۶۰.

فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۷۰). بررسی تحولی تصور از خود، حرمت از خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی. مجله استعداد‌های درخشان. سال پنجم، شماره ۱، ص ۲۵۳-۲۵۰.

کارتلیج، جی؛ میلبرن، جی.اف. (۱۹۸۵). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد. (۱۳۶۹). مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

لیوارجانی، شعله؛ گل‌محمدنژاد، غلامرضا؛ قاسم شهنقی، معصومه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره دبیرستانی تیزهوش و عادی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. مجله علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۱۰-۱۸۵.

ماهر، فرهاد؛ بهاری، سیف‌الله؛ آیت‌الله زاده قمی، شیرین. (۱۳۸۶). مقایسه مهارت‌های اجتماعی مثبت و منفی دختران پیش-دانشگاهی مدارس دولتی و تیزهوش و غیرانتفاعی. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۳۰، ص ۹۹-۸۷.

محمدی، نوراله. (۱۳۷۳). تحولات اخلاقی و دگردوستی در نوجوانان سرآمد و عادی. مجله استعداد‌های درخشان، سال هفتم، شماره ۱۱، ص ۲۳۷-۲۲۵.

معمودی، سیدهدای؛ حاج‌بابایی، حسین؛ بیگلریان، اکبر؛ فلاح سلوکلاهی، منیژه. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت حل‌مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۲۹-۱۷.

نظری، شهلا. (۱۳۸۱). بررسی مهارت‌های اجتماعی دختران نوجوان سرآمد در مدارس سمپاد، عادی و غیرانتفاعی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، واحد مرکز، مجتمع ولیعصر دانشکده روانشناسی.

Aunola, K. , Stattin, H. , & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of early adolescence*, 11, 56-95.

Brnsteine, M. (2002). *Handbook on parenting: children and parenting (vol1)*. Mahwah NJ: Lawrence. Erlbaum publishers

Barker, (2002). A Prospective longitudinal investigation of social problem -solving appraisal on adjustment to university, stress, health and academic motivation and

بشارت، محمدعلی؛ کرمی، ساره؛ اژه‌ای، جواد. (۱۳۸۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کمال‌گرایی و مهارگری در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی. فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال دهم، شماره ۵، ص ۸۰-۶۵.

پاکدامن، شهلا؛ خانجانی، مهدی. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان، پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۹۴-۸۲.

پیروتو، جین. (۱۳۸۵). رشد و آموزش کودکان و بزرگسالان با استعداد، ترجمه فاطمه گلشنی و نیره دلالی. تهران، نشر روان.

ترخان، مرتضی. (۱۳۷۲). بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی، مجله استعداد‌های درخشان، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۹-۱۳.

تنهای رشوانلو، فرهاد؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش‌بینی کننده‌های عزت نفس نوجوانان، مجله علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۴، ص ۳۴۳-۳۵۰.

حجازی، مسعود. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر زنجان، مجله استعداد‌های درخشان، سال پانزدهم، شماره ۳، ص ۲۶۱-۲۴۹.

خوشکام، زهرا؛ ملک‌پور، مختار؛ مولوی، حسین. (۱۳۷۸). اثربخشی حل مسئله گروهی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با آسیب بینایی، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال ۸، شماره ۲، ص ۱۴۱-۱۲۴.

خسروی. (۱۳۷۷). پرسشنامه مهارت حل مسئله، موسسه آزمون یارپویا.

دوران، بهناز. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بازی کامپیوتری و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

رضایی، اکبر؛ حافظی، علیرضا. (۱۳۹۰). مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با نارسایی‌های ویژه در یادگیری، کم توان ذهنی، اتیسم و عادی در مدارس ابتدایی شهر تبریز، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال یازدهم، شماره ۴، ص ۳۷۴-۳۶۳.

رضویه، اصغر؛ البرزی، محبوبه. (۱۳۸۳). بررسی رابطه ادراک شیوه والدین و مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان عادی و تیزهوش. فصلنامه روانشناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۱۴۳-۱۲۸.

زهراکار، کیانوش؛ رضازاده، آژاده؛ احقر، قدسی. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان رشت. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال ۵، شماره ۳، ص ۱۵۰-۱۳۳.

سانتراک، جان دلیبو. (۲۰۰۳). زمینه روانشناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۵). تهران، انتشارات رسا

صادقی، منصوره‌سادات؛ مظاهری، محمدعلی؛ حیدری، محمود (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۲-۱۱.

- Symposium on Talent Development. Scottsdale, Az, Us: Great potential press, Inc, 59-88..
- Grolnik, W.S. & Ryan, R.M. (1989). Parent styles associated with children's self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81, 143-154
- Heppner, D. & Peterson (1982). The development and implication of a personal problem-solving inventory. *Journal of counseling psychology* 22, 66-75
- Inderbitzen, H.M., & Foster, S.L. (1992). The Teenage Inventory of Social Skills: Development, reliability and validity. *Psychological Assessment*, 4, 451-459.
- Ladouceur, R. & et al. (1998). Problem solving and problem orientation in Generalized Anxiety Disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 12, 139-152
- Loveky, D.V. (2007). Highly gifted children and peer relationship. *Counseling and Guidance Newsletter*, Vol. 5, No. 3, pp. 6-10
- Lee, S. (2008). A comparison of student perceptions of learning in their co-op and internship experiences and classroom environment; A study of hospitality management students, university of central Florida; Degree: Ed.D
- Mickelson, L., & Sugai, D., & Wood, & Kazdin, A.E. (1983). Social skills assessment and training with children: An Empirical Handbook. New York: Plenum
- Eisenberg, N., & Sharlen A. Wolchik, and Jenn-Yun Tein, Relation of parenting and temperament to Chinese Children's Experience of Negative Life Events, Coping Efficacy, and Externalizing problems, June 2008, volume 79, number 3, pages 493-513
- Nelson, L. E. (2009). *An observational study of social skills learning within third, fourth and fifth grade*. Indiana University of Pennsylvania.
- Robbins, R.J. (1994). An assessment of perception of paternal autonomy support and control: Child and parent correlates. Unpublished Doctoral Dissertation, Department of Psychology, University of Rochester.
- Pellerin, L; A (2005). Applying Baumrind's parenting typology to high schools. *Journal of Social science*. Vol 34, 283-303.
- Querido, J.G., Warner, T.D. & Eyberg, S.M. (2002). Parenting style and child behavior in African-American families of pre-school children. *Journal of clinical child psychology*, 31, 274-277
- Rutherford, R. B., Quinn, M. M., & Mathura, S. R. (2004). *Handbook of Research in Emotional and Behavioral Disorders*. New York: Guilford Publications.
- Salvo, D.J. (2006). The impact of a service-learning program on the academic and social needs students at New Jersey's middle township high school: A case study evaluation. Wilmington college (Delaware); Degree: Ed.D.
- performance. *Development Of Psychology*, 35(1), 658-663
- Bronte-Tinkew AJ, Moor KA, Carrano J. The father-child relationship, parenting styles and adolescent risk behavior in intact families. *J Fam Issues*. 2006;27(6):850-81
- Calero, D.M., Gacia-Martin, M.B., Jimenez, M.I. & Araque, A. (2007). Self regulation advantage for high-IQ children: findings from a research study learning and individual differences, 17, 328-343
- Cartledge, G., Frew, T.W. & Zaharia, J. (1985). Social skill needs of mainstreamed students: peer and teacher perception. *Learning Disability quarterly*, 8, 132-140
- Cassidy, T., & Long, C. (1996). Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure. *British Journal of Clinical Psychology*, 35, 265-277
- Dasek, B. Jeorem, Danko, Maribeth, Adolescent Coping Styles and Perceptions of Parental Child Rearing. (1994). *Journal of Adolescent Research*, Vol. 9 No 4, 412-426
- Calero, D.M., Gacia-Martin, M.B., Jimenez, M. I & Araque, A. (2007). Self regulation advantage for high-IQ children: findings from a research study learning and individual differences, 17, 328-343
- Dasek, B. Jeorem, Danko, Maribeth, Adolescent Coping Styles and Perceptions of Parental Child Rearing. (1994). *Journal of Adolescent Research*, Vol. 9 No 4, 412-426
- Degas, M.J. & et al. (1998). Generalized Anxiety Disorder: A Preliminary Test of a conceptual model, *Behavior Research and Therapy*, 36, 215-226.
- Dreer, E., Elliot, R., Fletcher, C., Swanson, M. (2005). Social problem solving ability and psychological adjustment of person in low person vision rehabilitation. *Rehabilitation psychology*, 89, 3, 232-238.
- Dzurilla, T. J., & Sheedy, C. F. (1992). The relation between social problem solving ability and subsequent level of academic competence in college students. *Cognitive Therapy and Research*, 16(5), 589-599.
- Gilligan, C.; Lyons, N.P. & Hanmer, T.J. (1989). Making connections: The relational words of adolescent girls at Emma Willard School Troy, NY: Emma Willard school.
- Gresham, F.M. & Flipt, S.N. (1987). The Relationship between adaptive behavior and social skills. Issues in definition and assessments *Journal of Special Education*, 21, 67, 181
- Gross, M.U.M. (1993). Exceptionality gifted children. New York: Rutledge.
- Gross, M.U.M. (2001). Ability grouping self esteem and the gifted: A study of optical illusions and optimal environments. *National Research*

- Silk, J., Morris, A. , Kanaya, T. , & Steinberg, L. (2003) Psychological control and autonomy granting: Opposite ends of a continuum or distinct constructs? *Journal of Research on Adolescence*, 31 (1), 113-128 .
- Swiatek.M.A. (2002). A decade of longitudinal research on academic acceleration through the study of mathematically precocious youth. *Roeper Review*.24 (3), 141-144.
- Tsang, W. H., & Lake, C. C. (2008). *Social Skills*. Department of Tsang, W. H., & Lake, C. C. (2008). *Social Skills*. Department of Rehabilitation Sciences the Hong Kong Polytechnic University Hunghom, Hong Kong.
- Wampold, B.E. (1995). Socials skills and environments proded by different Hollend types.A Social perspective in person – enviroinment fit.*Journal of counseling psychology*, 42(3), 365-379
- Watson, S. (2000).Activities to support good social skills in the classroom. Available at:<http://www.about.com>

